

بازدید از شهر ناصره

محل حمل بی بی مریم



دریافتیں: الامام محمد شاہ (پیغمبر) سعید

بیت لحم جنوری ۲۰۱۹

۱۳۹۷

تئیں ونگارش:

الحاج امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسؤول مرکز فرهنگی دحقق لاره - جرمنی



www.masjed.se

بسم الله الرحمن الرحيم

بازدید از شهر ناصره محل حمل بی بی مریم



ماه جنوری سال ۲۰۱۹ م. طی یک سفر به بیت المقدس فلسطین از شهر ناصره و اماکن مقدس ادیان ابراهیمی نیز بازدید نمودم. شهر ولایت ناصره یکی از سرسبز ترین و زیباترین شهرها و در شمال فلسطین در حدود ۶۶ میل از بیت المقدس فاصله قرار دارد. این شهر محل حمل بی بی مریم مادر حضرت عیسی (ع) و از شهرهای مقدسی و به اصطلاح زیارتگاه برای پیروان مذهب مسیحی بشمار می‌رود. اهمیت این شهر کمتر از بیت المقدس برای مسیحیان نمی‌باشد. کلیساهای متعدد و مشهوری در این شهر توسط مسیحیان اعمار گردیده که از جمله میتوان از کلیسای البشاره والبلاطه نام برد.

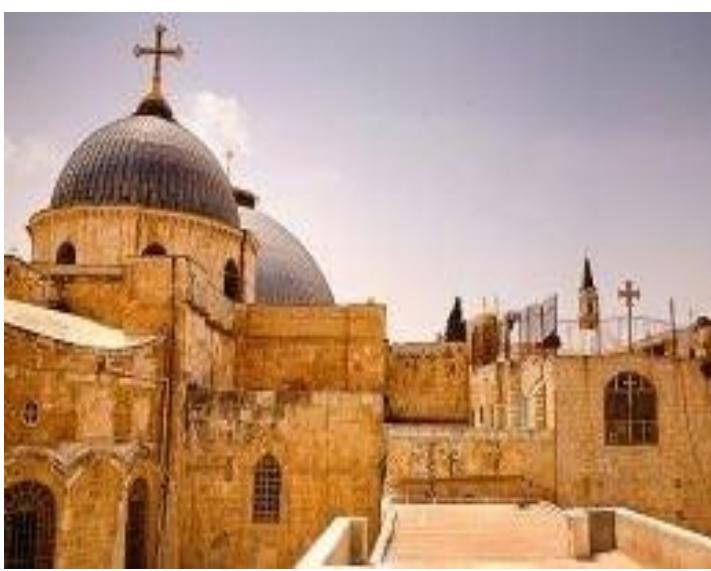
هکذا در این شهر چشمۀ مریم باکره که به اصطلاح آب شفاف و برای بسیاری از امراض مداوا می‌باشد، در این شهر وجود دارد.

در این شهر مسیحی پیروان هر سه دین ابراهیمی (مسیحیان، مسلمانان، یهودان) جدید تقرر (سالهای ۱۹۴۸م.) با هم یکجا عزندگی می‌نمایند ولی اکثریت باشندگان این شهر را مسلمانان تشکیل میدهند. طوریکه متذکرشدیم در این شهر مسلمانان دارای نفووس بیشتر ولی ملکیت عقاری شان کمتر، ولی تعداد یهودان جدید التقرر کمتر ولی دارایی عقاری وسیعی هستند، تعداد یهودان مطابق احصایه سال ۲۰۰۸ میلادی به ۷۵ هزار تن میرسد. میگویند همین حالا یهودان به فروش ملکیت‌های خویش در این شهر آغاز نموده‌اند و میخواهند خود را از زندگی عزل و محاصره نظامی نجات دهند.

از جمله نفوس شهر ناصره ۶۵ فیصد آنان را مسلمانان تشکیل میدهد، و رهبریت اداری این ولایت را مسلمانان در انتخابات پارلمانی به انسانی بدست اورده‌اند.

در شهر ناصره مسلمانان با مسیحیان در طول تاریخ روابط بی‌نهایت دوستان، و این روابط تا به امروز به همان قوت و دوستی آن پا بر جا است.

آذان الله اکبر در کلیسا شهر ناصره :



طوریکه در فوق هم یاد اور شدیم روابط عننوی دوستی در بین مسلمانان و مسیحیان با چنان قوت در شهر ناصره انکشاف نموده ، که روابط دوستی پیروان هر دو دین ابراهیمی به همکاری های تعاونی و دوستی دینی بین کلیسا و مساجد هم انجامیده است . از جمله زمانیکه حکومت اسرائیل تصمیم گرفته بود که صدای آذان الله اکبر را در بیت المقدس منوع اعلام بدارد کلیسای مسیحی در

شهر ناصره ، به رسم دوستی از همه کلیسا ها شهر ناصره بجای صدای ناقوس ، صدای آذان الله اکبر را در پنج وقت سر دادند ، ویکجا با مسلمانان در اعتراضات و مظاهرات خیابانی بر ضد منوعیتی آذان در بیت المقدس همبستگی خویش را با مسلمانان اعلام داشتند . در انتای این تضامن و همکاری و تظاهرات مشترک مسلمانان و مسیحیان در یکی از شعار ها که توسط جوانان مسیحی حمل میشد ، نوشته شده بود : «[اشغالگران](#) ، [نمی توانند آذان پلال را خاموش کنند](#)» .

برخی از محققان مسیحی بین باور اند که حتی حضرت مریم علیها السلام در شهر ناصره متولد شده است . بشارت تولد حضرت عیسی مسیح علیه السلام در این شهر به او داده شده است . آن حضرت در این شهر پرورش یافت و قسمت اعظم عمر خود را در آن گذراند . تخلص «ناصری» حضرت عیسی و شاگردانش بنابر موجودیت و زندگی مدت طولانی آنحضرت را در این شهر بدبست آورده است .

شهر ناصره در سال ۶۳۴ میلادی توسط مسلمانان ، تحت لواز سردار شرحبیل بن حسنہ فاتح شمال فلسطین ، فتح گردیده است .

این شهرک زیبا از آن زمان مورد مناقشه اروپایی ها و مسلمانان گشت تا اینکه در سال ۱۵۱۷ م - ۹۲۳ هجری شمسی ، جزو قلمرو امپراطوری عثمانی واقع گردید .

در این شهر در جنب کلیسای شهری ، مساجد زیبا و مشهوری هم وجود دارد . درین شهر اولین مسجد در اوایل قرن ۱۹ م ساخته شد . آثار دینی و مقبره های شهداء ، هم در این موجود بوده و این شهر در ۱۹۴۸/۰۷/۶ م . به اشغال حاکمیت اسرائیل درآمد .

مردم این محل مهمان دوست ، خوش برخورد و مصروف بزرگ و صنعت کار و تجارت اند .

بی بی مریم اصلاً از شهر ناصره جلیلی بود و در همین شهر متولد شده است ، نام بی بی مریم در قرآن عظیم الشان 34 بار ذکر یافته و سوره از قرآن عظیم الشان بنام بی بی مریم می باشد .

همچنان نام بی بی مریم در انجیل تذکر رفته. در اسلام بی بی مریم دختر عمران و در روایت انجیل از نسل هارون از قوم لاوی معرفی شده ولی به روایت مسیحیان سلسله نسب بی بی مریم به داوود علیه السلام میرسد.

پیش از تولد مریم، مادرش نذر کرده بود که طفلش را برای خدمت به بیت المقدس وقف خواهد کرد، بنابراین نوزاد بادر نظرداشت اینکه دختر بود در پارچه‌ای پیچانده و به مسجد آورد و به بزرگان بنی اسرائیل گفت: این کوک نذر مسجد است.

قرآن عظیم الشان و داستان بی بی مریم:

چون مادر بی بی مریم از خانواده‌ای بزرگ و محترم بود، برای سرپرستی این نوزاد، نزاعی بین سرپرستان و مسؤولین بیت المقدس صورت گرفت: قرآن عظیم الشان در مورد می فرماید: «**ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْعَيْنِ تُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقَوْنَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ**» (اینها از خبرهای غیبی است که ما به تو وحی می‌کنیم، حال آنکه تو نزد آنان نبودی، آنگاه که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی) می‌افکندند تا (به وسیله قرعه معلوم شود که کدامیک) کفالت مریم را بر عهده بگیرد.

بنا کاهنان و علمای بنی اسرائیل برای کفالت و سرپرستی مریم با هم نزاع و اختلاف پرداختند، در نهایت فیصله به انداختن قرعه در این بابت کردند، بعد از قرعه کشی قلم‌های خود را به آب انداختند، همه قلم‌ها به زیر آب فرورفت به جز از قلم زکریا (ع) که روی آب ماند، بنا ذکریا کفالت مریم را بدوش گرفت.

قابل تذکر است که مطابق منابع اسلامی زکریا در ضمن شوهر خاله بی بی مریم نیز می‌باشد، زکریا(ع) (در بلند ترین نقطه از این کلیسا اطاقی را برای مریم بنادرد، و روزانه چند بار توسط زینه به این اطاق بالا میرفت و وسائل معيشت وزندگی مریم را مهیا می‌ساخت).

قرآن عظیم الشان درباره سرپرستی بی بی مریم (آیه ۳۷ سوره آل عمران) می‌فرماید: «**فَتَفَقَّهَا رَبُّهَا بِقَبْوُلِ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَا الْمُحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ** » (پس پروردگارش او را به پذیرشی نیکو پذیرفت و به رویشی نیکو رویاند و سرپرستی او را به زکریا سپرد. هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می‌شد، خوراکی (شگفت‌آوری) نزد او می‌یافت. می‌پرسید: ای مریم این (غذا و خوراک تو) از کجاست؟! مریم در جواب می‌گفت: آن از نزد خداست. همانا خداوند به هرکس که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد). در آن جا بود که زکریا (ع) (با دیدن کرامت و شخصیت مریم) به پیشگاه پروردگارش دست به دعا برداشت و گفت: «**هُنَالِكَ دَعَاءً زَكَرِيَا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَذْنَكَ دُرْرَيَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ** » پروردگار! مرا [هم] از سوی خود فرزندی پاک و دل پسند عطا کن! بی تردید تو شنواری دعایی. (آیه 38 سوره آل عمران)

چگونگی حامله شدن بی بی مریم در انجیل:

مطابق روایت انجیل بی بی مریم ، در عقد شخصی به نام یوسف بود، اما قبل از آمیزش با همسر خود، او را از «روح القدس» حامله شد و تا زمان تولد حضرت عیسی (علیه السلام) با وی هم بستر نشد. از عبارت فوق چنین فهمیده میشود که بی بی مریم ، پس از

تولد حضرت عیسی(علیه السلام) به نکاح یوسف در آمد ، بنابراین «باکره بودن» حضرت مریم، تنها تا زمان تولد حضرت عیسی(علیه السلام) است. همچنان کتب انجیل در روایاتی مختلفی نگاشته است که حضرت عیسی علیه السلام دارایی خواهران و برادران نیز می باشد.

یک گروه از مسیحیان یعنی پروتستان ها که کتاب مقدس را بر سنت کلیسايی مقدم می دارند، معتقد به دوشیزگی حضرت مریم(علیه السلام) تا زمان تولد حضرت عیسی هستند و وجود چهار پسر و چندین دختر را برای حضرت مریم ذکر کرده اند.

اما کاتولیک ها وارتکس ها گروه های دیگر از مسیحیان، حضرت مریم (علیها السلام) را تا پایان عمر باکره می دانند و به استناد سنت کلیسايی که از پدران باقی مانده است، متون کتاب مقدس را تأویل می کنند. از نظر آنها، منظور عبارت هایی که یعقوب و یهودا را برادران عیسی(ع) معرفی می کنند، برادران دینی است، ومنظور از فرزندان مریم نیز، فرزندان کاکا و یا فرزندان خاله ی اوست.

روایت قرآنی درمورد بی بی مریم:

مریم تنها زنی که نامش به صراحت در قرآن عظیم الشان 34 بار ذکر شده، و در جنب آن احترام که حضرت بی بی مریم در دین مقدس اسلام دارد ، سوره ی نوزدهم قرآن عظیم الشان به نام او و سوره ی سوم قرآن نیز به نام «آل عمران» که خانواده ی آنحضرت هستند، نام گذاری شده است.

قرآن مجید عظیم الشان خصوصیات بی نهایت عالی را برای حضرت مریم(علیها السلام) ذکر می کند: او دختر پیامبری به نام «عمران» است و تحت تکفل حضرت «زکریا» بزرگ شده است و مادرش بنابر نذری که داشت او را «محرر» ساخت. محرر کسی است که از تحت تسلط پدر و مادر رها شود تا تمامی اوقات خود را در عبادت خدا سپری کند، ملازم معبد باشد و جز برای امور ضروری خارج نشود.

قرآن عظیم الشان ، بی بی مریم را به صفاتی خاصی توصیف و تعریف نموده است : و آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم! همانا خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهان برتری بخشید. ای مریم! فرمان بردار پروردگارت باش و همراه نمازگزاران سجده و رکوع کن.

چنان که ملاحظه می شود، قرآن عظیم الشان او را زنی برگزیده و پاک و ممتاز معرفی می کند و در پی این پاکی و عصمت است که فرشته ی خدا بر او نازل می شود، تا به او فرزندی پاک سیرت بخشد: روح الهی در او دمیده می شود و از خداوند معجزات بسیار می بیند. در نهایت پروردگار با عظمت ما بی بی مریم را الگویی برای همه ی کسانی که ایمان آورده اند معرفی می کند.

حضرت مریم از جمله زنان بهشتی است:

حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم میین این فهم است که بی بی مریم یکجا با بی بی خدیجه ، بی بی فاطمه و آسیه اهل بهشت هستند.

در مسند احمد، مشکل الآثار: طحاوی و مستدرک حاکم از ابن عباس روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم روی زمین چهار خط را ترسیم نمود، سپس فرمودند: آیا می دانید اینها چه هستند؟ اصحاب فرمودند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بهترین

زنان اهل بهشت خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون هستند.

در صحیح بخاری از حضرت علی بن ابی طالب روایت شده که رسول‌الله صلی‌الله‌علی‌ه و سلم فرمودند: «**خیر نسانها مریم و خیر نسانها خدیجه**» (بهترین زنان بهشت مریم و بهترین زنان بهشت خدیجه هستند). (بخاری: مناقب الانصار ، تزویج النبی خدیجه و فضلها – فتح الباری (133/7).

بی‌بی مریم اولین سردار بانوان بهشت است و به طور اطلاق برترین زنان است. طبرانی با سند صحیح مطابق با شرایط امام مسلم از حضرت جابر رضی‌الله‌عنه نقل می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علی‌ه و سلم فرمود: «**سیدات نساء الجنة بعد مریم ابنة عمران: فاطمه، و خدیجه و آسیه امرأة فرعون.**» (سردار بانوان بهشت بعد از مریم دختر عمران، فاطمه، خدیجه و آسیه همسر فرعون هستند). سلسله الاحادیث الصحیحه: (1424).

و اینکه مریم دختر عمران بطور کلی بهترین زنان هستند به نص قرآن ثابت است: «**وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**» (آل عمران: 42) (تو حضور نداشتی) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاکیزه‌ات داشته است، و تو را بر همه زنان جهان برتری داده است. چرا چنین نباشد حال آنکه خداوند واضح و روشن بیان داشته که او را پذیرفته است: «**فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا**» (سوره آل عمران: 37)

(خداوند، او (یعنی مریم) را به طرز نیکوئی پذیرفت، و به طرز شایسته‌ای (نهال وجود) او را رویانید (و پرورشش داد)، و زکریا (شوهر خاله او) را سرپرست او کرد). بلی، این چهار بانو نمونه و الگوی کاملی برای بانوان نیکو و شایسته هستند.

خداوند مریم دختر عمران را چنین توصیف نموده است: «**وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ**» (سوره التحریم: 12) (همچنین خداوند (از جمله زنان مومنه) مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن به گناه نیالود و خود را پاک نگاه داشت، و ما از روح متعلق به خود در آن دمیدیم، و او سخنان پروردگارش و کتابهایش را تصدیق کرد، و از زمرة مطیعان و فرمانبرداران خدا بود).

غذای «کاشر» در رستوانت های فلسطینی:

در حین بازدید در سفر تاریخی ما از شهر زیبا «ناصره» جنوری ۲۰۱۹ م غرض صرف غذا به رستوانت مشهور بنام بحرالابیض المتوسط که از رستورانت های در محل خوب توریستی لب بحر است رفتیم. مدیر این رستورانت الحاج ابو جواد میرشم شخص مؤدب و شخصیت با وقاری بود. او در پذیرایی از مهمانان روش خاصی داشت و با تمام مراجعین برخورد صمیمی بعمل می اورد. از اینکه ما مهمانان خارجی بودیم ، و مهماندار ما از اهل ناصره بود ، بناً با اعزاز وقدر دانی از ما پذیرایی بعمل اورد. میز مناسب که بتوانیم از زیبایی بحر مستفاد شویم برای ما آماده ساخت و گارسون را برای سرویس غذا برای ما اختصاص داد.



بعد از صرف غذا با محترم ابو جواد مالک این رستورانت هم صحبت شدیم واز وی در مورد اینکه مراجعین عمدۀ این رستورانت را کیها تشکیل میدهد، پرسیدم. ایشان در جواب گفتند که مراجعین رستورانت ما را همه باشندگان این محل از جمله یهودان، مسلمانان، و مسیحیان تشکیل میدهد واز غذای های پخته شده در این رستورانت اساساً مشکل وجود ندارد. در رستورانت ما همه غذا های حلال طبخ می شود واز این غذا ها یهودان، مسلمانان و مسیحیان بطور نورمال استفاده می نمایند.

زمانیکه مراجعین یهودی داخل رستوان میشوند از غذای حلال می پرسند ودر ضمن میگویند ما غذای «کasher» میخواهیم.

قبل از همه باید گفت که مصرف وتناول غذای از گوشت خوک در رستورانت ها و هتل های بیت المقدس تل ابیب و سایر ولایت کمتر به چشم میخورد، یهودان اصلاً خوردن گوشت خوک را مانند مسلمان حرام میدانند. مسیحیان در تناول غذای تقریباً تحت تاثیر مسلمانان و یهودان قرار گرفته اند.

دین یهودیت برای پیروان خویش در همه ای عرصه زندگی مانند دین مقدس اسلام هدایت و رهنمود های و فرمamین خاصی را وضع و مقرر نموده و آنرا بنام قوانین و احکام هلاخا یا شریعت یهودی مسمی نموده است.

هلاخا عبارت از همان احکام و نظرات فقهی عالمان یهود است که به زعم شان با استناد به نص تورات و براساس اجتهاد و استتباط شخصی ایشان بیان شده اند.

یهودیان به مجموعه قوانین مذهبی در باره خوراکی ها و نحوه آماده کردن غذا را به اصطلاح شریعتی شان «گشروعت» تعبیر نموده اند.

کشروعت در لغت به معنی شایستگی و مطابقت با آداب مذهبی است و کلمه «کasher» به معنای آماده یا مناسب بودن برای استفاده متناسب با آداب مذهبی است. در ضمن، هر وسیله ای که موافق با آداب مذهبی ساخته شود یا حتی هر انسانی که شایسته و مطابق قوانین مذهبی عمل نماید، «وسیله یا انسان کasher» مسمی میشود.

کلمه مخالف «کasher» در بخش خوردنی ها عبارت از «طرف» است.

قوانين کشروعت بطور کلی شامل سه موضوع اساسی ذیل می شود:

- نوع مواد غذایی،

- تهیه مواد غذایی ،
و نحوه مصرف مواد غذایی.

نوع مواد غذایی:

در تورت امر شده که میتوانید از گوشت آنده از حیوانات چهار پا استفاده و تناول بعمل ارید که آن حیوانات سم شکافته داشته باشند ، و در ضمن نشخوار کننده باشند، اگر حیوانات فقط یکی از این صفات را داشته باشند ، نه تنها خوردن گوشت آنها حرام است ، بلکه لبنيات وساير مواد بدست امده از لبنيات نيز در شريعت يهودي حرام شمرده ميشود. البته لبنيات در شريعت يهودي زمانی حلال شمرده ميشود که از حيوانات کاشر بدست آمده باشد.

مواد غذایی چگونه تهیه شود؟

شرط اول در تهیه مواد غذای را در شريعت يهودي ، حلال بودن حيوان تشکيل ميدهد اين بدين معنى است ، گوشت هاي در مواد غذای باید مورد استفاده قرار گيرد که آن حيوان از جمله حيوانات حلال واز صحتمندي كامل برخوردار باشد .

شخصی که در حلال کردن حیوان سهم میگرد ، در یهودیت آنر « شوخت » می نامند. حکم شرعی در یهودیت همین است که قبل از ذبح حیوان باید توسط شخص کاشر دقیقاً معاینه شود ، حیوان ذبح شونده باید سالم و فارغ از زخم و شکستگی اندام باشد .

كارد ذبح باید کارد تیز باشد که حیوان در حین ذبح به کمترین عذاب مواجه شود ، بعد از ذبح حیوان توسط « شوخت » (قصاب) باید ریه و امحا و احشای حیوان ذبح شده را معاینه می کند تا از سلامتی آن مطمئن شود.

گوشت حیوان کاشر باید مدتی در نمک بماند تا همه خون آن خارج شود، چرا که برای یهودیان اكل خون حرام است

و ظروف که در آن شتشوی گوشت صورت میگیرد باید نظیف و تمیز باشد. همچنان «شوخت » یا قصاب باید بر امور حلال کردن حیوان بلدیت تمام داشته باشد .

در پختن گوشت نباید گوشت همزمان با لبنيات شیری، یکجا پخته شود ، ترکاری باب ، سبزیها و میوه ها از کرم و حشرات پاک باشد .

بنآ در تناول غذا یهودان در رستوانت های مسلمانان با اشتهاي خاصی غذا میخورند و مشکل چندان در این بابت ندارند ، ولی هستند یهودان مذهبی که حتی در رستورانت های مسلمانان احتیاط حلال بودن دینی خود را رعایت مینمایند و با احتیاط در رستوانت های مسلمانان غرض صرف طعام تشریف می برند .

همچنان مسلمانان غرض تناول غذا به رستوران های یهودی و مسیحی بطور ازدانه در شهر فلسطینی و یهودی رفت و امد دارند و مطابق حکم پروردگار از غذای تهیه شده توسط آنان بخصوص از ذبیحه شان استفاده می کنند. قرآن عظیم الشان در این مورد می فرماید:

«الْيَوْمَ أَحِلَّ لَكُمُ الطَّيْبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ» یعنی:

« امروز برای شما چیز های پاکیزه حلال کرده شده، و غذای اهل کتاب برای شما حلال است، و غذای شما برای آنها حلال است. » (سوره مائدہ 5)

آیه متذکره به صراحة دلالت بر حلال بودن طعام اهل کتاب دارد، (طعامهم: کشتارشان)، همچنانکه امام بخاری از ابن عباس رضی الله عنهم روایت کرده است. در صحیحین-

بخاری و مسلم- از روایت انس بن مالک رضی الله عنہ آمده «**أَنَّ يَهُودِيَّةً أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَاهِ مَسْمُومَةٍ فَأَكَلَ مِنْهَا**» یعنی: یهودی گوشت گوسفندی مسموم را برای پیامبره به عنوان هدیه آورد و پیامبره از آن خورد...». این حدیث دلیلی بر حلال بودن ذبیحه اهل کتاب است، و گرنه، پیامبر صلی الله علیه وسلم از این گوسفند نمیخورد. اقوال علماء نیز بر این مسئله تأکید دارند، و اکثر اهل علم، اجماع را بر این مسئله نقل کرده اند.

ابن قدامه می فرماید: (و خلاصه مطلب، هرکس از مسلمانان و اهل کتاب، توانایی ذبح کردن داشت اگر حیوانی را ذبح کرد، خوردن ذبیحه اش حلال است، حال فرقی نمی کند، آن شخص، مرد یا زن، بالغ یا صبی و آزاده یا بنده باشد، و در این باره هیچ اختلافی نمی بینیم). ولی ذبایح غیر یهودی و نصرانی (حال چه بت پرست باشد یا هندو یا بودایی یا مرتد یا لائیک یا و امثال آنها) در اینصورت ذبایح آنها به هیچ وجه حلال نیست زیرا نصوص شرعی بر حرام بودن آن ذبایح تأکید دارد: «**حُرَمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنْزِيرِ وَمَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَرْتُمْ**» (سوره مائدہ 3) یعنی: گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرتشدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده- مگر آنکه (موقع به آن حیوان بر سید، و) آن را سربرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است. البته شرط آن اینست که:

- ذبایح آنها برای غیر خدا نباشد، در صورتیکه برای غیر الله باشد جایز نیست .
- شخصی که ذبح کننده است، از دین خود مرتد نشده باشند، یعنی ذبیحه کسی که قبل از یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست گوشت حلال شده آن ، حلال نیست.
- در ضمن اگر ذبح بصورت غیر شرعی باشد (مثلا با شک الکتریکی کشته شده باشد و یا بنوعی خفه شده باشند) جایز نیست، زیرا در اینحالات در حکم مردار خواهد بود و مردار حلال نیست..

اگر مسلمانی عمدا اسم الله تعالی رادر حین ذبح حیوان ترک کند ، ذبیحه آن حلال نیست. قرآن عظیم الشان در این مورد می فرماید: «**وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكُرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ**» (سوره انعام 121) یعنی: از گوشت حیوانی نخورید که (به هنگام ذبح عمدا) نام خدا بر آن برده نشده است؛ چراکه خوردن از چنین گوشتی نافرمانی (از دستور خدا) است. و باز هم در (آیه 118 سوره انعام) می فرماید: «**فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُلْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ**» یعنی: «پس از گوشت چهارپایانی بخورید که به هنگام ذبح نام الله را بر آن برده‌اند، اگر به آیات خدا ایمان دارید».

شرعیت دین مقدس اسلام رهنمود ها و دستوری علمی و متعددی را در قرآن عظیم الشان

واحدیتی نبوی و احکام فقهی در مورد ذبح شرعی وضع نموده است :

شرعیت اسلامی تأکید نموده است که:الت و ابزار ذبح باید تیز باشد، بگونه‌ای که خون جاری سازد و گلو را ببرد و قطع کند از قبیل کارد و چاقو و سنگ تیز و

چوب تیز و برنده و شمشیر و شیشه و نی نوک تیز و برندهای که چون کارد و چاقو ببرد و استخوان تیز بجز ناخن و دندان: قابل تذکر است که اگر مسلمانی در هنگام ذبح فراموش کرده باشد تا اسم الله تعالی را بر زبان ارد ، حکم شرع همین است که چون این فراموشی عمدی نیست ، کافیست که هنگام خوردن بر آن نام الله بردۀ شود.

در صحیح بخاری از ام المؤمنین عائشہ رضی الله عنها روایت شده که فرمودند: «أَنَّ قَوْمًا قَالُوا لِلَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ قَوْمًا يَأْتُونَا بِاللَّحْمِ لَا نَدْرِي أَذْكِرْ أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمْ لَا فَقَالَ سَمُّوَا عَلَيْهِ أَنْتُمْ وَكُلُّهُ قَاتُلُ وَكَانُوا حَدِيثَ عَهْدِ الْكُفَّارِ» (بخاری) یعنی: گروهی به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفتند: قومی برای ما گوشت آورده اند، و ما نمی دانیم که آیا آنها هنگام ذبح اسم خدا را بر آن بردۀ اند یا نه؟ پیامبر فرمودند: نام خدا را بر آن ببرید و بخورید. عائشہ رضی الله عنها می گوید: آن قوم تازه مسلمان شده بودند. لذا چون قومی که گوشت آورده بودند مسلمان بودند و از طرفی معلوم نبود که آیا (بدلیل نا آشنا بودن به احکام ذبح) هنگام ذبح اسم الله را آورده اند یا خیر؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم بدانها می فرماید که هنگام خوردن اسم خدا را بباورند.

ذبایح اهل کتاب (یهودی و نصرانی) نیز برای مسلمانان حلال است. به شرطی که آن اهل کتاب از دین خود مرتد نشده باشند. یعنی ذبایح کسی که قبل از یهودی بوده ولی الان به دین خود معتقد نیست (و اسلام هم نیاورده) حلال نیست.

بازدید از شهر زیبا بیت لحم:



جنوری ۱۹۲۰م

ما بعد از اینکه از محل بود و باش و قریه که بی بی مریم در آن حامله شده بود، بازدید نمودیم به سفر خویش به شهر زیبا بیت لحم، شهر یکه بنابر بر روایات تاریخی و بخصوص مطابق روایات کتب چهارگانه انجیل در آن متولد گردیده است ادامه دادیم.

قبل از همه باید گفت که حضرت عیسی علیه السلام که به نام عیسی ناصری شهرت داشت و شخصیت مرکزی در دین مسیحیت است، و مسیحیان معتقد اند که وی پسر خدا است و در شهر بیت لحم که از مربوطات ولایت ناصره می باشد چشم به جهان کشوده است.

در کتب انجیل در مورد ولادت حضرت عیسی آمده است: «حضرت مریم به همراه شوهر یا نامزد خویش یوسف نجار برای شرکت در احصایه گیری (نفوں شماری) به جنوب فلسطین یعنی بیت لحم سفر نموده بود، با خاطر از دحام که در شهر وجو داشت جایی را پیدا نمی‌کند و مجبور می‌شوند در یک اخور شب خویش را سپری نمایند، که در همان شب، عیسی به دنیا می‌آید، بدین ترتیب محل ولادت حضرت عیسی علیه السلام را انجیل اخور گوسفندان در ولایت بیت لحم معرفی میدارند.

مطابق روایات انجیل در این اخور گوسفندان در همان شب دونفر هم حضور داشته‌اند؛ یکی یوسف نجار و دیگری مریم.

انجیل می‌افزایند :

وقتی عیسی مسیح در آن اخور گوسفندان به دنیا آمد، فرشتگان، چوپان‌هایی را که در اطراف آن منطقه بودند، خبر کردند که بیائید در اینجا طفل نوزاد مبارکی به دنیا آمده است و مجوسی‌هایی که از شرق به آن منطقه آمده بودند به دنبال یک ستاره که در محل تولد، طلوع کرده بود به آن منطقه رفته بودند؛ وقتی هم که مردم به آنجا آمدند، همگان فکر می‌کردند که عیسی فرزند مریم و یوسف است و طبق گزارش انجیل، هیچکس اطلاع نداشت که حضرت عیسی پدر ندارد.

قرآن عظیم الشان و مکان ولادت حضرت عیسی (ع):



اما قرآن عظیم الشان نامی از یوسف نجار نمی‌برد و بیان می‌کند که در محل تولد حضرت عیسی فقط حضرت بی مریم تنها و تنها بود.

قرآن عظیم الشان در آیات (22 و 23 سوره مریم) در مورد محل ولادت حضرت عیسی می فرماید: «فَحَمَلْتُهُ فَأَنْبَدْتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جَذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِثْ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا» (پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست، تا درد وضع او را به سوی تنہ درخت خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم). حکم اسلامی درمورد مکان ولادت حضرت عیسی که در کدام منطقه از شهر بیت الحم صورت گرفته، بصورت کل چیزی نمی‌گوید، ولی قرآن عظیم الشان زمانیکه ذکری از داستان حضرت عیسی علیه السلام را به میان می‌ورد، تذکر میدهد که ولادت حضرت عیسی در مکان دور تر در نزدیک تنہ درخت خرمایی صورت گرفته، بدون اینکه ذکر نماید که درخت خرمایی در کدام منطقه.

همچنان پروردگار با عظمت ما در آیات (16 تا 25 سوره مریم می فرماید: «وَإِذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذَا أَنْبَدَتْ مِنْ أَهْلَهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا»^{۱۶} و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت (۱۶) فَأَنْبَدَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهَا رُوحًا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا^{۱۷} و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش‌اندام بر او نمایان شد(۱۷) قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقْبِيلًا^{۱۸} [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم(۱۸) قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولٌ رَّبِّكَ لَأَهَبَ لَكِ غُلَامًا رَّكِيًّا^{۱۹} گفت من فقط فرستاده پروردگار توان برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم(۱۹) قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسِسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا^{۲۰} گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام(۲۰) قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيْنَ وَلَأَجْعَلُهُ أَيَّهَا لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا^{۲۱} گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود(۲۱) فَحَمَلْتُهُ فَأَنْبَدْتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا^{۲۲} پس [مریم] به او [=عیسی] حامله شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست(۲۲) فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جَذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِثْ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا^{۲۳} تا درد زایمان او را به سوی تنہ درخت خرمایی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم(۲۳) فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزِنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْنَكِ سَرِيًّا^{۲۴} پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر [پای] تو چشم‌های پدید آورده است (۲۴) وَهُرِّي إِلَيْكِ بِجَذْعِ النَّخْلَةِ شَاقِطٌ عَلَيْكِ رُطَّابًا جَنِيًّا^{۲۵} و تنہ درخت خرمایی طرف خود [بکیر و] بتکان بر تو خرمایی تازه می‌ریزد(۲۵)

حکم کلی دین مقدس اسلام در مورد مکان ولادت و داستان ولادت حضرت عیسی همین است که: زمانیکه بی مریم به عیسی علیهم السلام حامله شد و وقت وضع حل فرا رسید و در کنار تنہ درخت خرمایی زایمان کرد، و طفل خویش را در سینه خویش محکم گرفت و به نزد قوم خویش برگشت، مردم محل اورا ملامت نمودند تا اینکه خود حضرت عیسی علیه السلام به سخن زدن آغاز کرد و به دفاع از مادرش پرداخت و این داستان زیبا در سوره مریم آیات 27 و 29 چنین بیان یافته است:

« فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمْ لَقَدْ جِئْتْ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرًا سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا * فَأَشَارَتِ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» (مریم 27-29).

یعنی : (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی! ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود، و نه مادرت زن بد کارهای!، (مریم) به او اشاره کرد؛ گفتند: چگونه با کودکی که در گاهواره است سخن بگوییم..

در آیه متبرکه کلمه : «ای خواهر هارون» آمده که در اشاره به هارون برادر حضرت موسی نیست ، مطابق روایت هارون برادر موسی دو هزار سال قبل وفات یافته بود ، بلکه هارون در آیه متبرکه اشاره به شخص نیگو کاری است که در زمان بی مریم زندگی میگرد .

در حدیث شریف به روایت مغیر بن شعبه رضی الله عنه آمده است که گفت: «لَمَّا قَدِمْتُ نَجْرَانَ سَالَوْنِي، قَالُوا: إِنَّكُمْ تَفْرُّعُونَ يَا أُخْتَ هَارُونَ، وَمُوسَى قَبْلَ عِيسَى بِكَذَا وَكَذَا، فَلَمَّا قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَمُّونَ بِأَنَّبِيَائِهِمْ وَالصَّالِحِينَ قَبْلَهُمْ».

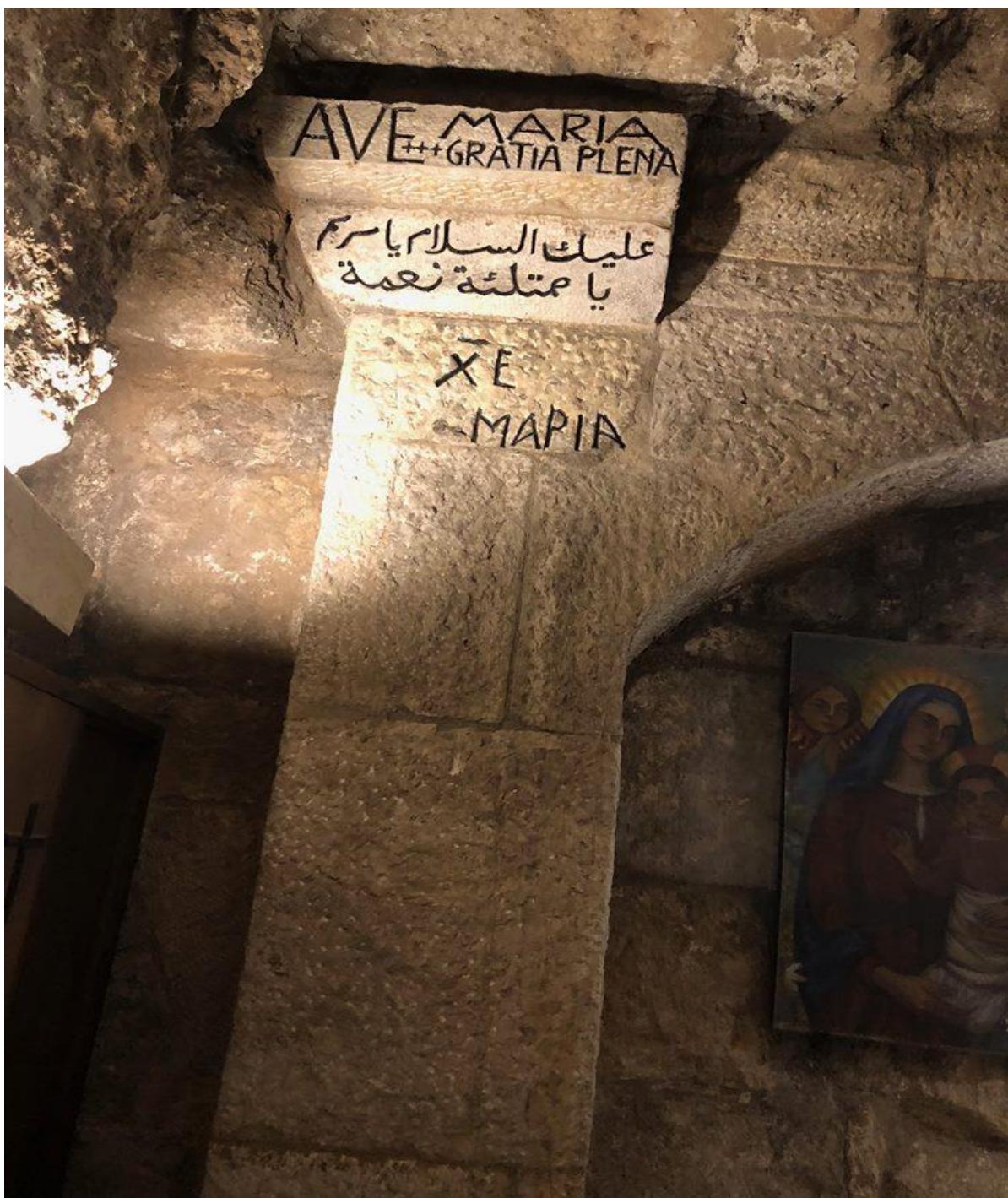
یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا به سوی مردم نجران فرستادند، مردم نجران (که نصاری بودند) به من گفتند: بنگرکه شما در قرآن خود می خوانید «ای خواهر هارون » در حالی که موسی سالیان سال قبل از عیسی زندگی می کرد؟! راوی می گوید: پس چون بازگشتم، این سخنها را با رسول الله صلی الله علیه وسلم در میان گذاشتم، فرمودند: آیا به آنان نگفته که مردم در آن زمان فرزندان خود را به نام پیامبران و صالحان پیشین نامگذاری می کردند، یعنی شیوه و عادتشان چنین بود؟...». مسلم (2135) و ترمذی (3155).

علامه عبدالرحمن سعدی در تفسیر خود می نویسد : «ظاهرا هارون برادر حقيقی مریم بوده و او را به هارون نسبت دادند، و (سنن قوم آنان) این بود که اسم انبیاء را بر فرزندان خود می گذاشتند، و این هارون، هارون برادر موسی علیهم السلام نیست، زیرا بین آنها (مریم و هارون نبی) قرنهای بسیاری فاصله است».

- به قولی دیگر؛ معنی این است: ای کسی که ما او را در صلاح و عبادت و زهد مانند هارون برادر موسی علیهم السلام می پنداشتیم، آخر چگونه مرتكب چنین عملی گردیدی؟ یعنی: آنان مریم علیها السلام را در صلاح و عبادت به هارون برادر موسی علیهم السلام تشبيه کردند.

- و امام ابن کثیر به نقل از سُدی گفته : «منظور از خواهر هارون، چون مریم از نسل و تبار هارون علیه السلام بود، (برای همین بود که به او خواهر هارون می گفتند) چنانکه مثلاً به افراد قبیله تمیم می گویند : ای برادر تمیم، و به افراد قبیله مضری گویند : برادر مضر».

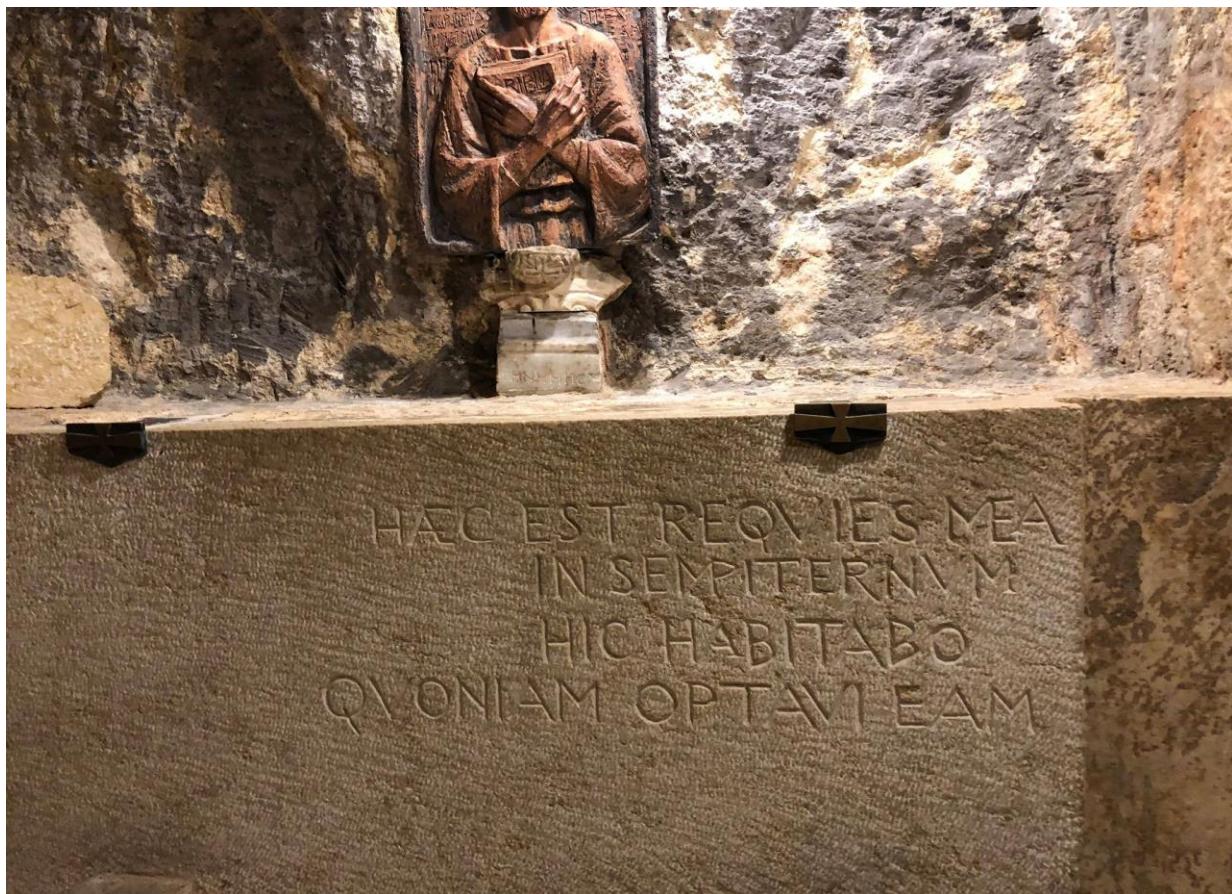
روایت مسیحیان در مورد محل ولادت حضرت عیسی:



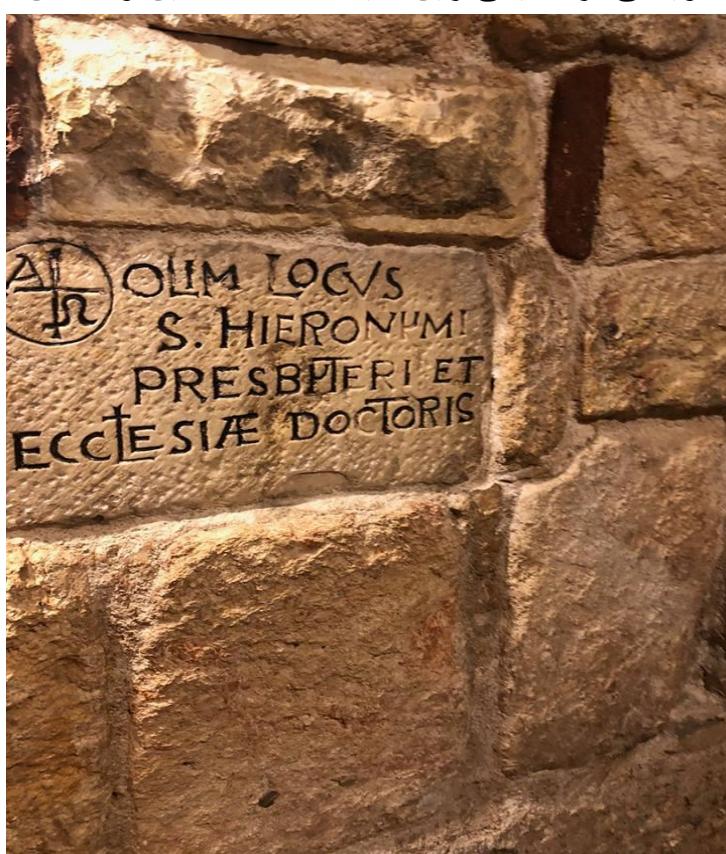
فرقه های مختلف مسیحیان هم در مورد محل ولادت حضرت عیسی بین خود به اختلاف پرداختند ، ولی اکثریت شان بدین امر معتقد اند که حضرت عیسی علیه السلام در بیت لحم متولد گردیده است .

بازدید ما از شهر زیبا ، تاریخی بیت لحم واژ جمله کلیسا بزرگ بنام کلیسا « ولادت » در ماه جنوری 2019 صورت گرفت .

بعد از بازدید از مساجد مشهوری این شهر از جمله مسجد تاریخی عمر بن الخطاب به کلیسا که به عقیده مسیحیان محل ولادت حضرت عیسی است سر زدیم .



کلیسا «مهد» یا کلیسا «ولادت» در زمان امپراطور رومی کنستانتنین(قسطنطینیه) در سال 335 میلادی بنا گردیده است ، ویکی از قدیمی ترین کلیسا های فلسطین و جهان به شمار می رود.



شهر بیت لحم از لحاظ اداری از مربوطات ولایت ناصره بحساب می امد ، امروز این شهر بنابر موجودیت کلیسا ء « مهد » و یا هم کلیسا « ولادت » بجیث شهر مشهوری توریستی در بین سیاحین و مورخین مبدل گردیده است .

ساختمن کلیسا «مهد و یا کلیسا «ولادت » بی نهایت زیبا است و معماری درونی آن به مسجدالاقصی شباهت دارد و مؤرخان تاکید میدارند که درخت خرماء که بی بی مریم در نزدیک آن ولادت نمود در همین محل تحتانی فعلی کلیسا ء قرار داشت .



در منزل تحتانی این کلیسا غار مشهور ولادت حضرت عیسی وجود دارد و در آنجا در سنگ مرمری وجو دارد که آن به زبان لاتین چنین حک شده است:

«**Hic de Virgine Maria Jesus Christus natus est**» «در اینجا عیسی مسیح از مریم مقدس متولد شد» و 15 قندیل که نمایانگر 15 گروه مسیحی است در آنجا قرار دارد.

شهر بیت لحم از جمله شهر های تاریخی فلسطین است ، این شهر در 10 کلیومتری بیت المقدس در ارتفاع 756 متر از سطح بحر موقعیت دارد ، بیت لحم به زبان عبری «خانه نان» میباشد شهر بیت لحم در عهد عتیق نیز معروف بوده ، و میگویند که حضرت داوود عليه السلام نیز در همین شهر متولد و دوران کودکی خویش و حتی زمامداری حکومت 7 ساله خویش را در همین شهر سپری نموده است .

اکثریت مؤرخین در تواریخ خویش بر این نقطه تأکید می ورزند که «راحیل» همسر حضرت یعقوب ومادر یوسف عليه السلام نیز در همین شهر مدفون است . (رساله سلسه مدن الفلسطينیه ، بیت لحم 1998 م صفحه 12 نوشته مصطفی وولید)

مطابق روایات سیرت نویسان رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر معراج از این شهر بازدید نموده و به سفارش جبرئیل عليه السلام در محل ولادت حضرت عیسی نماز خوانده است . (المقریزی ، امتعال الاسماع ، 1420 ق جلد 8 ، صفحه 174 و 276)

بیت لحم توسط مسلمانان در سال 16 ق بعد از فتح بیت المقدس در زمان امیر المؤمنین حضرت عمر (رض) فتح گردید .

طوریکه در فوق هم تذکر دادیم مسجد بزرگی در این شهر در مقابل و رو بروی «کلیسا ولادت» بنام امیر المؤمنین حضرت عمر در سال 860 میلادی سال 15 هجری تهاب گزاری و اعمار گردید که البته این مسجد بعد ها در سالهای 1955 میلادی یکبار دیگر ترمیم و بازسازی گردیده است . (بکر ، سید ، عبدالجید) اشهر المساجد فی الاسلام (مطبع سحر ، جده ، عربستان سعودی) ، چاپ اول ، انتشار سال ۱۹۸۵ میلادی . (به زبان عربی) .

پایان

امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

بیت لحم جنوری 2019

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library